

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۱۶

## رژیم صهیونیستی؛ تعامل یا تقابل؟

بررسی مستندات فقهی دیدگاه امام موسی صدر در رابطه با تعامل با رژیم صهیونیستی

۲۵

دو فصلنامه مطالعات  
بیداری اسلامی

سید احسان رفیعی علوی و همکاران  
رژیم صهیونیستی؛ تعامل یا تقابل؟

حسین آجورلو<sup>۱</sup>

سید روح اله حاج زگر باشی<sup>۲</sup>

سید احسان رفیعی علوی<sup>۳\*</sup>

۱. دکتری روابط بین الملل و دیپلماسی، و پژوهشگر میهمان پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.
۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) و مدرس حوزه و دانشگاه.

### چکیده

امام موسی صدر با صدور حکمی در حوزه حقوق بین الملل اسلامی، اسرائیل را شر مطلق و تعامل با آن را حرام اعلام کرد. در این مقاله سعی بر این است که این حکم در حوزه حقوق بین الملل اسلامی، تنها جنبه سیاسی نداشته و از مبانی قوی در منابع چهارگانه حقوق اسلامی یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل برخوردار است، به طوری که در قرآن کریم و سنت معصومین (ع)، بر دفاع از دین و سرزمین خود و عدم همکاری با متجاوزان اشاره و تأکید شده است. در این مورد شاهد اجماع اکثریت علمای اسلام، دارالحراب بودن رژیم صهیونیستی در مقابل دارالاسلام بوده و بر اساس قاعده عقلی دفع ضرر محتمل، می بایست با توسعه طلبی ایدئولوژیک صهیونیسم، به عنوان ضرر محتمل، مقابله شود. تأکید همه این منابع بر حرمت تعامل با رژیم صهیونیستی به عنوان دارالحراب می باشد.

واژگان کلیدی: جهاد دفاعی، تعامل با اسرائیل، دارالحراب، دارالاسلام، دفع ضرر محتمل.

امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان در سال ۱۹۵۹ به عنوان رهبر دینی از طرف مراجع و همین طور به توصیه مرجع دینی لبنان آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین به عنوان جانشین ایشان از ایران به لبنان مهاجرت نمود. ایشان به علت رشد و تربیت توسط روحانیت اصیل شیعه و همین طور ویژگی‌های منحصر به فرد در مدیریت و رهبری نسبت به اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شیعیان لبنان اقدام کرد.

ورود امام موسی صدر به لبنان در زمانی بود که فضای عمومی جهان عرب به دلیل توسعه طلبی اسرائیل، تمام مسائل را متأثر ساخته بود و هیچ رهبر سیاسی و دینی در جهان عرب خصوصاً لبنان، نمی‌توانست نسبت به این موضوع بی تفاوت باشد. امام موسی صدر تا آخرین لحظه حضورش در لبنان از مقابله با رژیم صهیونیستی دست برنداشت تا اینکه به دست دشمنانش از صحنه لبنان کنار گذاشته شد ولی افکارش تا امروز در کالبد مقاومت ضداسرائیلی ماندگار است و باعث وارد شدن سخت‌ترین ضربات به پیکره رژیم صهیونیستی شده است. یکی از مهمترین موضوعاتی که از طرف وی مطرح شد (البته به شکلی کوچک نیز در جنوب لبنان تأسیس شد)، جامعه مقاومت در برابر توسعه طلبی و یا تهدیدات آن بود که توانست دستاوردهای بزرگی را نصیب مقاومت ضد اسرائیلی نماید (ر.ک.: الصدر ۲۰۰۱؛ الصدر ۲۰۰۷). حکم اسلامی - سیاسی "اسرائیل شر مطلق است... تعامل با آن حرام می‌باشد" توسط ایشان در دهه هفتاد میلادی و با توجه به جایگاه حقوقی ایشان به عنوان مرجعیت دینی و ریاست مجلس اعلای شیعیان صادر شد که هیچ یک از مراجع تقلید به ویژه حضرت امام خمینی (ره) به عنوان استاد ایشان نه تنها آن را رد نکردند بلکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان نیز در جایگاه حقوقی رهبری، بر این اصل به گونه‌های مختلف تأکید داشتند.

لازم به ذکر است صدور این حکم، دارای جنبه‌های سیاسی فراوانی نیز بوده است که در مجالی دیگر می‌گنجد. از سوی دیگر، حکم مذکور از پشتوانه حقوق اسلامی نیز برخوردار است. صدور و تنفیذ این حکم، نشان دهنده کاربردی بودن حقوق اسلامی در عرصه حقوق بین‌الملل اسلامی و همچنین پاسخی بر این مُدعاست که اسلام فاقد قاعده کلی و حکم تأسیسی کاربردی در زمینه حقوق و روابط بین‌الملل است، لذا لزوم بحث در این موضوع از دو منظر قابل بررسی می‌باشد.

نخست از منظر درون دینی، در احکام فقه اسلام بر اساس چگونگی تعامل دولت اسلامی با دول غیر مسلمان (رابطه دارالاسلام و دارالکفر)، قاعده نفی سبیل مطرح

می‌شود. دوم از منظر برون دینی، به این مفهوم که عدم کفایت فراگیر عقل بشری در کشف و فهم تمامی حقیقت قواعد سیاسی و اجتماعی در روابط بین‌الملل، دلیلی بر لزوم هدایت آن به وسیله وحی و لزوم عدم واگذاری مطلق این گونه موضوعات به عقل و سیره عقلا می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷). از این رو، این سوال مطرح می‌شود که "حکم امام موسی صدر در حرمت تعامل با رژیم اسرائیل از نظر حقوق بین‌الملل اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟" فرضیه مطروحه برای این سوال حاکی از آن است که: "بر اساس تأکیدات قرآن و روایات معصومین(ع) در نهی تعامل استعماری و فرادستی و فرودستی و اجماع اکثریت علمای شیعه بر دارالحرب بودن رژیم صهیونیستی در مقابل دارالاسلام، همینطور برابر قاعده عقلی دفع ضرر محتمل، از نظر حقوق اسلامی هرگونه تعامل با رژیم صهیونیستی حرام می‌باشد."

### بررسی ادبیات پژوهش

پیرامون موضوع فلسطین، اسرائیل و صهیونیسم، کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده است، ولی کمتر مطلبی به‌طور مستقیم به موضوع نوشتار حاضر پرداخته است و منابع مشاهده شده، **نوعاً** به‌طور پراکنده در آن ورود داشته‌اند. اما علاوه بر جدید بودن موضوع این پژوهش، سعی بر آن شده تا جهت تحلیل یکی از مباحث علمی مهم در حوزه حقوق اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل، منابع مختلفی بررسی شود که به‌طور اختصار به چند مورد آن اشاره می‌شود. کتاب "مدخلی بر نظریه حقوق بین‌الملل عمومی اسلامی" (ر.ک.: زاهد، ۱۹۹۹) که توسط عبدالأمیر زاهد تألیف شده است. در این کتاب تلاش شده تا مباحث مطرح شده در اسلام با جنبه حقوق بین‌الملل بررسی شود. مقاله "دارالحرب و دارالاسلام" (ر.ک.: السید، ۱۹۹۸) تألیف رضوان السید که به بررسی این دو مقوله از نظر تاریخی و اسلام سیاسی پرداخته و با استفاده از تاریخ طبری به تحولات این دو مفهوم می‌پردازد. کتاب "مراحل تاریخی مناقشه اعراب و اسرائیل" (ر.ک.: فتونی، ۱۹۹۹) که توسط علی‌عبد فتونی نوشته شده است و به بررسی مراحل تاریخی قضیه فلسطین و چگونگی توسعه طلبی رژیم اسرائیل می‌پردازد.

## دار الاسلام در مواجهه با دارالحرب

یکی از مسائل حقوق بین الملل اسلامی مسئله روابط با نهادهای جامعه بین المللی است. فلسطین یکی از بخش های سرزمین اسلامی بوده که تا نیم قرن پیش اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دادند. اسرائیل نیز بر اساس اندیشه صهیونیسم در یک برنامه دراز مدت که شروع آن بیش از یک قرن پیش بوده است، به تدریج اکثر سرزمین های فلسطین را به اشغال خود درآورد و موجب قتل و آوارگی مردم آن سرزمین شد.

در تقسیم کشورها و مرزبندی های جغرافیایی از نظر حقوق بین المللی، قلمرو تحت حاکمیت هر جامعه انسانی (دولت - کشور)، دارای احکام و ضوابط حقوقی خاصی است و آن سرزمین به وسیله ممیزه ها و بر اساس مرزهایی از سرزمین دیگر جدا می شود. اما اسلام ملاکی را به غیر از مرزهای جغرافیایی برای تقسیم بندی سرزمین ها مطرح کرده است و آن مرزهای عقیدتی و ایمانی جوامع بشری می باشد. (ر.ک.: سفیانی، ۲۰۰۰) این مرزبندی فارغ از نژاد، رنگ، زبان، خاک و... بر مبنای ایمان به اسلام سرزمین ها تحت سیطره هر قدرت را به دو گروه دارالاسلام به عنوان سرزمین مسلمانان و دارالکفر یعنی قلمرو جامعه غیرمسلمانان تقسیم می کند (آخوندی، ۱۳۸۱: ۱۳۸). این بدین معناست که کل عالم اسلام در یک واحد جغرافیایی سیاسی و کل عالم خارج از اسلام با هر عقیده ای در واحد جغرافیایی دیگری قرار می گیرند. به بیانی دیگر نظام بین الملل از نظر حقوق بین الملل اسلامی به دو بلوک امت واحد اسلامی و امت واحد کفر تقسیم می شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۲) که در بلوک یا قلمرو دارالاسلام شعائر، قوانین و مقررات اسلامی نافذ و جاری است (آخوندی، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

در مورد حدود و مرزهای دارالاسلام، امام موسی کاظم (ع) در حدیثی به این مضمون نقل شده است که دارالاسلام آنجایی است که غلبه با مسلمانان باشد. از این تعبیر می توان نتیجه گرفت که دارالکفر، جایی است که غلبه در آن با مسلمانان نباشد (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: ۷۸). در اینجا این سوال پیش می آید که از نظر اسلام کافر کیست؟ اکثر مراجع تقلید در جواب این سوال، کافر را کسی می دانند که منکر خدا یا مشرک به وحدانیت او باشد و رسالت حضرت محمد (ص) را قبول نداشته باشد (امام خمینی، بی تا: ۸، مسئله ۱۰۶) و یا در حقانیت آنان تشکیک نماید و نیز کسی که قرآن و دستورات آن را مانند نماز و روزه منکر شود.

کفار از نظر اعتقادی و ایمانی در حقوق اسلامی به بت پرست، مشرک و اهل کتاب تقسیم می شوند (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳: ۶۱). سرزمین های دارالکفر به لحاظ نوع تعاملی

که با دارالاسلام دارند تقسیم بندی می‌شوند و عبارت است از: دارالعهد، دارالاعتزال یا دارالحیاد، دارالصلح، دارالامان، دارالهدنه، دارالاستضعاف و دارالحرب (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹). به جز مورد دارالحرب، مسلمان می‌توانند با کفار تعامل و با ایشان زندگی مسالمت آمیز داشته باشند (ر.ک.: جبر، ۲۰۰۴) مشروط به این که زیر سلطه ایشان قرار نگیرند.

البته بایستی خاطر نشان کرد که استفاده از این تقسیم‌بندی به معنای پذیرش یک کشور به نام اسرائیل نمی‌باشد، بلکه در حقوق بین الملل اسلامی نهادهایی وجود دارند که به نهادهای نامشروع شناخته می‌شوند و نظام حقوق بین الملل اسلامی به لحاظ شناسایی از آن سرباز می‌زند که در ذیل بدان خواهیم پرداخت. تنها از آن جهت که این نهاد از برخی عناصر شکلی دارالحرب می‌باشد آن را به دارالحرب تشبیه نموده‌ایم.

در یک تعریف اجمالی دارالحرب به کشورها و سرزمین‌هایی گفته می‌شود که خارج از حوزه و قلمرو دارالاسلام هستند و احکام کفر و غیر اسلامی در آن جاری و ساری باشد، به حدود و مرزهای دارالاسلام تعدی می‌کنند، مسلمانان از آزار ایشان در امان نیستند و وظیفه دارالاسلام در برابر دارالحرب، جهاد دفاعی است (الشهید الاول، ۱۴۱۴: ۷۸).

از دلایل دارالاسلام بودن فلسطین از نظر حقوق اسلامی می‌توان به چند مورد اشاره کرد. بیشترین جمعیت این سرزمین را تا قبل از اشغال آن توسط صهیونیست‌ها، مسلمانان تشکیل می‌دادند، این سرزمین بخشی از فتوحات اسلامی بوده که از طریق جهاد ابتدایی صورت گرفته و از آن در حقوق اسلامی به "مفتوحة عنوة"<sup>۳</sup> یاد می‌شود که بی تردید بخشی از دارالاسلام تلقی می‌شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹: ۴۷۰).

در حقوق اسلامی، عموماً جهاد (ر.ک.: بسیونی رسلان، ۲۰۰۵) به دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود که نوع اول آن یعنی جهاد ابتدایی، با هدف دعوت کفار و مشرکین به اسلام توسط مسلمین توانمند و مجاهد انجام شود و بنابر نظر اکثر فقها، این نوع جهاد بی اذن معصوم مشروعیت ندارد (سلطان محمدی، ۱۳۸۵: ۸۰). در نوع دوم آن یعنی جهاد دفاعی که امروز در حقوق بین‌الملل از آن به دفاع مشروع یاد می‌شود، تعرض و تجاوز به هر کشور، به عنوان مجوزی برای دفاع و عاملی برای جنگ محسوب می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۱: ۱۳۸).

آیات زیادی در قرآن کریم بر دفاع از دین و سرزمین اسلامی تأکید دارند. برای نمونه می‌توان به آیاتی همچون "وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ" (قرآن کریم، سوره البقره، آیه ۱۹۰)، "فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ" (قرآن کریم، سوره البقره، آیه ۱۹۴)،

"وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ" (قرآن کریم، سوره الشوری، آیه ۳۹) و "وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ" (قرآن کریم، سوره الشوری، آیه ۴۱) اشاره کرد که این آیات دلالت بر مشروعیت اصل دفاع و مقابله به مثل در هرگونه تجاوز از سوی متجاوزان دارد و شامل جهاد دفاعی می‌شود و شکی نیست که همه انواع دفاع به ویژه دفاع سرزمینی از مصادیق روشن مقابله به مثل می‌باشد (برجی، ۱۳۸۶: ۵۴).

غیر از قرآن کریم، احادیث فراوانی نیز از معصومین (ع) بر وظیفه مسلمانان برای دفاع از خود و دارالاسلام تأکید دارند، برای نمونه می‌توان به حدیثی از حضرت رسول (ص) اشاره کرد که می‌فرماید: «إِنَّا لَنُحِبُّ عَزَّوَجَلَّ يُبَغِّضُ رَجُلًا يُدْخَلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يُقَاتِلُ» (عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۸/۲۴/۲) و حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَاللَّهِ إِنْ أَمْرًا يُمَكِّنُ عَدُوَّهُ مِنْ نَفْسِهِ يَعْرِقُ لَحْمَهُ، وَيَهْشِمُ عَظْمَهُ، وَيَفْرِي جِلْدَهُ، لَعَظِيمٌ عَجْزُهُ» (نهج البلاغه: الخطبه ۳۴) و یا «أَغْزَوْهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَغْزَوْكُمْ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» (معانی الأخبار، جلد اول: ۳۱۰).

فقه‌های مشهوری نیز همچون ابوالصلاح حلبی (برجی، ۱۳۸۶: ۴۷) و صاحب جواهر (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۵) در باب وجوب جهاد دفاعی بیان می‌دارند که اگر دارالاسلام مورد تهاجم کفار قرار گیرد و اساس اسلام تهدید شود و یا کفار خواهان استیلا بر دارالاسلام باشند و این امر موجب اسارت، آوارگی، اخذ اموال مسلمانان شود؛ در چنین شرایطی، بر همه مسلمانان دارالاسلام، اعم از زن و مرد، سالم و بیمار، حتی کور و ناقص العضو، واجب می‌شود که به هر نحو ممکن و با هر شرایطی اقدام به جهاد نمایند و نیازی به اذن امام معصوم (ع) ندارد. این دیدگاه را با اندکی تفاوت در تمام رسائل فقهی قدیم و جدید مراجع شیعی می‌توان یافت. کاشف الغطاء جهاد را به پنج قسم تقسیم کرده که چهار قسم آن در مورد دفاع است. این چهار نوع عبارتند از: جهاد برای حفظ دارالاسلام از تجاوز کفار، جهاد برای دفع متجاوزان از تسلط بر جان و ناموس مسلمانان، جهاد برای دفاع از مسلمانان ساکن در بخش‌های دیگر دارالاسلام که با کفار در حال جهادند و ترس تسلط کفار بر آنان می‌باشد و جهاد برای اخراج متجاوزان از دارالاسلام پس از تسلط آنان و نوع پنجم که جهاد ابتدایی می‌باشد و برای گسترش اسلام و دعوت کفار به اسلام است (برجی، ۱۳۸۶: ۴۹).

در ماده ۵۱ منشور ملل متحد نیز بر این اصل اساسی تأکید شده است: "در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، هیچ یک از مقررات منشور به حق طبیعی

دفاع مشروع، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این طرح به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و مسئولیتی که شورای امنیت برطبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضرورت تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت" (برجی، ۱۳۸۶: ۹۱).

لازم به ذکر است در رفتار دارالاسلام با دارالکفر، باید بر اساس دستورات صریح و محکمی که در آیات قرآن و روایات آمده است برخورد نمود و مسلمانان می‌بایست ابتدا نظر اسلام را هرچند برخلاف اصول حاکم بر دیپلماسی جهانی باشد که دیگران آن را پذیرفته‌اند، جویا شوند تا در تعاملات با کفار آن را به کار ببرند. باید این نکته را در نظر داشت که برخلاف برخی از قواعد بین‌المللی که چگونگی رابطه با سایر کشورها را مشخص می‌کند و سرچشمه گرفته شده از ذات و اخلاق انسانی است، اصول و قواعدی نیز وجود دارند نشأت گرفته از نظریات کفرآلود بوده و با حقوق اسلامی در تعارض هستند (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۲). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید "ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ" (قرآن کریم، سوره الحج، آیه ۳۲).

با توجه به تقسیم‌بندی فوق از نظر حقوق اسلامی، هر کشوری که دشمن حربی مسلمانان باشد، جهاد با آن واجب است و اگر امکان جهاد به دلیل شرایط و مصلحت اسلامی مقدور نباشد، حداقل از تعامل با آن باید پرهیز کرد. دلیل این امر نیز قاعده میسور یا قدر مقدور است (ر.ک.: بجنوردی، ۱۴۱۹ و خوانساری، ۱۴۱۸). بدین معنا که هرگاه جزیی از حکم شارع ممنوع عملی شود قسمت‌های دیگر ممکن بر مکلف دایر است (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۶۹)، البته بر اساس این قاعده، اگر بخشی از یک تکلیف از قدر مقدور خارج باشد، نمی‌توان بخش را مقدور ترک کرد.

### تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر قرآن کریم:

یکی دیگر از مبادی اجتهاد در حقوق بین‌الملل اسلامی قرآن کریم است، قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوق اسلامی محسوب می‌شود که دستورات الهی برای مسلمانان در آن منعکس شده است. این کتاب علاوه بر رهنمودهای عبادی و اعتقادی، احکامی را برای سعادت بیشتر بشر بیان کرده است که تبعیت از آنها واجب است.

در کلام فقها، قرآن اصیل‌ترین و متقن‌ترین منبع شناخت معارف دینی، احکام فقهی و حقوق فردی و اجتماعی است. فقه و حقوق اسلامی، دربرگیرنده احکام عبادی-

سیاسی، مسایل اقتصادی، اجتماعی، حقوق مدنی و ... می‌باشد که قرآن کریم، بارزترین و تردیدناپذیرترین منبع آن است. حقوق اسلامی بدون قرآن، هویت و پشتوانه ندارد، چرا که بایدها و نبایدهای دینی تا وقتی که بر اصول بنیادین و متقن استوار نباشد، الزام آور نبوده و ضمانت اجرایی ندارد (ترابی، ۱۳۷۴: ۳).

قرآن کریم در مورد حقوق بین‌الملل اسلامی نیز مواردی را بیان می‌کند که اغلب به فلسفه روابط بین‌الملل را مورد نظر دارد. در اینجا بر آنیم تا حکم مذکور را از نگاه قرآن مورد بررسی قرار داده و به غور در آن بپردازیم:

۱. "إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ" (قرآن کریم، سوره الممتحنه آیه ۹): فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همکاری کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند.

خداوند در این آیه شریفه به صراحت نحوه تعامل با غاصبان دارالاسلام و سرزمین‌های مسلمانان را بیان می‌دارد. تفسیر نمونه این آیه را این گونه تشریح می‌کند: "گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند و شمشیر به روی آن‌ها کشیدند و آن‌ها را از خانه و کاشانه‌شان به اجبار بیرون کردند و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل آشکارا نشان دادند؛ تکلیف مسلمانان این است که هرگونه مرادیه با این گروه را قطع کنند، و از هرگونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند" (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۴، ۱۳۸۶: ۳۱).

خداوند در این آیه شریفه دو شرط را برای قطع تعامل با این گروه بیان نموده است: نخست اینکه بر سر دین با مسلمانان جنگ داشته باشند و دوم آنکه مسلمین را از خانه و دیارشان بیرون کرده باشند. می‌توان مصادیق متعددی از این دو شرط را در رژیم صهیونیستی یافت. اول اینکه، این رژیم بعد از اشغال سرزمین فلسطین ساکنان مسلمانان را از خانه و کاشانه خود آواره کرد، ولی با یهودیان مقیم چنین برخوردی را نکرده است. این خود نشان می‌دهد که اقدامات رژیم صهیونیستی بر اساس دشمنی با مسلمانان بوده و ریشه در دشمنی با اسلام دارد. دوم اینکه رژیم صهیونیستی بعد از اعلام استقلال خود موجبات آوارگی اجباری صدها هزار فلسطینی را از شهر و دیار خود فراهم نمود و خانه‌ها و زمین‌های ایشان را تصرف کرد.



۲. "وَلَا تَزْكُوتُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ" (قرآن کریم، سوره هود آیه ۱۱۳): و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد.

این آیه شریفه مبنای قاعده نفی گرایش به ظالم است که در بین اندیشمندان حقوق اسلامی مشهور است. در این مورد باید گفت، اساساً اسلام بی تفاوتی و رضایت در برابر ظلم و اعمال ظالمانه را نمی‌پذیرد چه رسد به اعتماد و گرایش به ظالم. ظلم موجب از بین رفتن حق مظلوم می‌گردد و اعتماد و گرایش به ظالم، موجب گسترش ظلم (ضابطی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۳) و این دو موضوع با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. یکی از انواع گرایش به ظلم، تعامل با ظالم است. ظلم بزرگ رژیم صهیونیستی به مردم فلسطین در بیش از نیم قرن برای هیچ مسلمانی حتی غیرمسلمین آزاده جهان جای تردید نگذاشته است که این رژیم نماد ظالم است و بر اساس قاعده نفی گرایش به ظالم، تعامل با آن نه تنها برای دارالاسلام مجاز نبوده بلکه برای تک تک مسلمانان نیز امری نهی شده است.

۳. "تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ" (قرآن کریم، سوره المائده آیه دوم): در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و دشمنی دستیار هم نشوید و از خدا بترسید که خدا سخت کیفر است.

در این آیه شریفه خداوند ضمن توصیه به همکاری در امور نیک، ما را از همکاری در گناه و تجاوز منع کرده است. با بسط این آیه در حقوق اسلامی، تکالیفی برای دارالاسلام و حکومت‌های اسلامی تعریف می‌شود که یکی از آنها عدم همکاری با دشمنان متجاوز است. همکاری در دشمنی و تجاوز، عقلاً و منطقاً محدود به نفس شرکت در آن نمی‌باشد بلکه تعامل با متجاوز که به نوعی به تجاوز وی مشروعیت می‌بخشد نیز نهی شده است. یکی از مبانی منع تعامل دارالاسلام با رژیم متجاوز صهیونیستی این است که اگر با آنان هرگونه همکاری را جایز بدانیم یا آن را به رسمیت بشناسیم، از آن رضایت و پذیرش سیاست‌های تجاوزکارانه این رژیم استنباط می‌شود. لازمه تعامل با این رژیم، قبول بخشی از اندیشه‌های آن است، در واقع این امر در عرصه روابط بین‌الملل نیز چنین معنایی را به همراه دارد که می‌توان از آن به عنوان مصداق همکاری در گناه و دشمنی یاد کرد (کعبی و غرویان، ۱۳۸۱: ۸).

۴. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ" (قرآن کریم، سوره الممتحنه آیه اول): ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به پیروی بر مگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید.

در این آیه شریفه خداوند مسلمانان را از پیروی از دشمن خدا و دشمن مؤمنین که منجر به دوستی با ایشان خواهد شد، منع کرده‌است، حتی اگر ایشان اظهار دوستی با مسلمانان نمایند. در اینجا بحث دشمن شناسی مطرح می‌شود و این سوال مطرح می‌شود که دشمن خداوند و مؤمنین که با هم برابر معرفی شده‌اند، چه کسانی هستند؟ با تاملی در آیات قرآن، می‌توان مصادیق این دشمنان را شناخت. خداوند در برخی آیات می‌فرماید: "لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا" (قرآن کریم، سوره المائده آیه ۸۲): یعنی، به طور مسلم یهودیان و مشرکان را دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت. همچنین: "إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا" (قرآن کریم، سوره النساء آیه ۱۰۱): کافران برای شما دشمن آشکاری هستند (قرائتی، جلد نهم، ۱۳۹۱: ۵۷۲-۵۷۳). بر اساس این آیات که به روشنی انواعی از دشمنان را بازگو می‌نماید، می‌توان مصادیق آن را در رژیم صهیونیستی به وضوح مشاهده کرد. این رژیم با غصب سرزمین‌های اسلامی، آواره کردن ساکنان آن و تهدید جان و مال ایشان، هم دشمنی خود را ثابت نموده و هم از افراطی‌ترین فرقه قوم یهود به شمار می‌رود که این آیه به صراحت آنان را به عنوان دشمن‌ترین افراد نسبت به مسلمانان معرفی کرده است.

۵. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَظَّمْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ" (قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۱۸): ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید، دشمنی از لحن و سخنان آشکار است و آنچه در سینه‌هایشان نهان می‌دارد بزرگتر است. در حقیقت ما نشانه‌ها [ای دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.

خداوند بر اساس این آیه شریفه مسلمانان را از همراهی با دشمنان اسلام نهی می‌کند. در این آیه همچنین خداوند صفات این گونه دشمنان را بیان می‌کند، نخست اینکه از هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه مسلمانان دریغ نمی‌کنند، دوم اینکه آرزو دارند که مسلمانان به مشکلات بیفتند و در آخر، نقشه‌ها و اهداف شومی علیه مسلمین دارند و مترصد فرصت ضربه‌زدن هستند. این موارد را می‌توان در رفتار و اندیشه رژیم صهیونیستی به وضوح

مشاهده کرد. نمونه‌هایی از غضب اموال و کشتار مسلمانان مورد اشاره قرار گرفت. ترور، شکنجه، زندانی کردن و تهدیدات گسترده نیز از دیگر اقدامات این رژیم است. فتنه انگیزی، تبلیغات ضد اسلامی و تفرقه‌اندازی ایشان در کشورهای اسلامی از دیگر مصادیق آیه شریفه است. سوم، ایده نیل تا فرات، اسرائیل بزرگ و تخریب مسجد الاقصی و دیگر راهبردهای خصمانه این رژیم علیه اسلام و مسلمین است.

۶. "لَا يَعْزُبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ" (قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۱۹۶): رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها تو را نفریبند!

در این سوره در مقطع زمانی مابین جنگ بدر و اُحُد که یکی از سخت‌ترین شرایط مسلمان (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۰۸) بود نازل شده است. در این دوره، توطئه‌های یهودیان مدینه علیه قریشیان مکه و جنگ‌های میان ایشان، شرایط سخت اقتصادی مسلمانان و قدرت اقتصادی یهودیان، شرایط دشواری را برای مؤمنین ایجاد کرده بود. اگر چه در این آیه، مخاطب پیامبر اسلام (ص) است ولی منظور آن عموم مسلمین است که دچار تردید نشوند و مقهور قدرت و ثروت ایشان نگردند (مکارم شیرازی و همکاران، جلد سوم، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۲).

در زمان کنونی نیز توان اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی، هم‌پیمانی آن با آمریکا و غرب و شاید ترس از آن یا طمع منافع ناشی از تعامل با این رژیم، برخی سران و تصمیم‌گیران کشورهای اسلامی را مرعوب و منفعل نموده است و موجب برقراری روابط سیاسی، امنیتی - نظامی و بعضاً اقتصادی ایشان با آن شده است. بر اساس آیه مذکور، این شیوه مردود شمرده و در آیات بعدی: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)، مسلمانان به ایستادگی و استقامت در این راه توصیه شده‌اند (کعبی و غرویان، ۱۳۸۱: ۱۱).

۷. "وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" (قرآن کریم، سوره النساء آیه ۱۴۱): خداوند هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است.

این آیه شریفه که اساس قاعده نفی سبیل است، هرگونه تسلط کفار بر مسلمانان را مطلقاً رد می‌کند و هر امری که موجب آن شود را مردود می‌داند. همچنین براساس این آیه و آیات دیگری که عزت را از آن خدا و رسول و مؤمنین می‌داند (قرآن کریم، سوره المنافقون، آیه هشتم)، سلطه غیر مسلمین بر ایشان و هر آنچه عزت مؤمنین و اسلام را خدشه‌دار کند نیز نفی شده است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۱۵). شمول این قاعده، کلی بوده و همه زمان‌ها را در بر می‌گیرد. همچنین با توجه به تشریحی بودن حکم آیه، قاعده نفی

سبیل، شرایط هرگونه سلطه تکوینی و تدریجی را نیز شامل می‌شود (نوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۲).

پذیرش این قاعده به عنوان یک اصل لازم‌الاطاعه، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و الزامات را برای کشورهای اسلامی و حاکمان آن‌ها در ردّ یا پذیرش هنجارهای بین‌المللی و نیز روابط آن‌ها با کشورهای غیر اسلامی ایجاد می‌کند (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۸۸: ۱۸۲). رفتار سیاسی و عملکرد ایشان می‌بایست به گونه‌ای باشد که منجر به سلطه دفعی یا تدریجی و خدشه‌دار شدن عزت مسلمانان نشود (خانی، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۶۱). لذا هرگونه تعامل با دشمنان از جمله رژیم اسرائیل، به معنی پذیرش و قبول سلطه این رژیم بر مسلمانان فلسطینی، تأیید اقدامات آنان و از بین رفتن عزت مسلمین بوده و حرام است (نوریان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۲). یعنی لازمه آن، پذیرش حداقل کوچکترین خواسته رژیم صهیونیستی یعنی به رسمیت شناختن آن در بخشی از دارالاسلام (مثلاً مرزهای ۱۹۶۷) می‌باشد و از آنجایی که نتیجه آن تسلط غیرمسلمان بر مسلمان است، لذا حتی اگر تمام معاهدات بین‌المللی و سازمان ملل نیز آن را به رسمیت شناخته باشند، چون برخلاف قاعده نفی سبیل است، برای مسلمانان حرام می‌باشد.

۸. "فَلَا تُطْعِ الْمُكذِبِينَ وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ" (قرآن کریم، سوره القلم آیات هشتم و نهم): پس از منکران اطاعت مکن، خوش دارند که با آنان سازگاری کنی تا با تو سازگاری کنند. خداوند در این آیه شریفه، مسلمانان را از سازش در امور حیاتی که به جان، مال و دین مسلمین مرتبط باشد نهی می‌کند. مداهنه از ریشه "دَهَن" به معنای روغن و از مصدر "ادهان" به معنای روغن مالی کردن است. در زبان عربی، این واژه، کنایه از نادیده گرفتن، نرمی کردن و روی خوش نشان دادن در موضوعی خاص می‌باشد. اما در حقوق اسلامی به معنای مصالحه، سازشکاری و سکوت در برابر حق است و زمانی به کار می‌رود که حقیقت، وجهُ المصالحه قرار می‌گیرد (مروتی، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۸).

اسلام در مقابل دارالکفری که سر جنگ با مسلمانان را نداشته باشند، همچون دارالعهد، دارالاعتزال، دارالحیاد، دارالصلح، دارالامان و دارالهدنه؛ با مدارا برخورد می‌کند ولی با دارالحرب که دین، جان، مال و سرزمین مسلمین را مورد تعرض قرار می‌دهد، حتی اگر آنان بخواهند به مسلمانان امتیازاتی هم بدهند، هیچ‌گونه سازشی ندارد. لذا تعامل با دارالحرب، مصداق مداهنه است و نه تنها حرام است بلکه خداوند در قرآن بر لزوم برخورد شدید با کفار حربی تأکید کرده است: "مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" (قرآن کریم، سوره الفتح آیه ۲۹).

## تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر سنت و احادیث

یکی دیگر از منابع حقوق اسلامی، سنت پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) است. قرآن نیز بر این موضوع صراحتاً تأکید نموده است. برای مثال می‌توان به آیاتی همچون: "وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا" (قرآن کریم، سوره الحشر آیه هفتم)، "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ" (قرآن کریم، سوره الأحزاب، آیه ۲۱) و "وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ" (قرآن کریم، سوره النجم آیات سوم و چهارم) اشاره کرد. از نظر فقها نیز سنت عبارت است از گفتار و کردار و تقریرات پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) (جناتی، ۱۳۶۷: ۳) که بر اساس آن نیز می‌توان قواعد، الزامات و محدودیت‌های کشورهای اسلامی در روابط خارجی خود را استخراج نمود.

۱. برخورد پیامبر اسلام(ص) با یهودیان مدینه: پیامبر(ص) در هنگام ورود به مدینه با یهودیان این شهر از در صلح وارد شدند و با رؤسای قبایل ایشان معاهده بستند که با یکدیگر در صلح زندگی کنند و طرفین به یکدیگر آسیبی نرسانند، با دشمنان یکدیگر متحد نشوند. اما یهودیان بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع به عناوین مختلفی همچون تعرض به نوامیس مسلمین، اقدام به ترور پیامبر(ص)، قتل مسلمانان، فعالیت‌های تبلیغاتی علیه اسلام و بالاخره همکاری و جاسوسی با کفار، عهد شکنی کردند. لذا مورد خشم پیامبر واقع شدند و ایشان دستور دادند که بدون هرگونه مقاومتی از مدینه خارج شوند و در غیر این صورت با ایشان وارد جنگ خواهند شد. پیامبر(ص) جایی که دین، جان، مال و ناموس مسلمانان در خطر باشد، هیچ تعامل و سازشی را جایز نمی‌دانند (رزاقی موسوی، ۱۳۸۳: ۱۹). بر اساس شرایط یاد شده از رژیم صهیونیستی و رفتار و اقدامات آن رژیم علیه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی، می‌توان سنت نبوی در این مورد را اجتناب از هرگونه مصالحه و تعامل با آن‌ها معرفی کرد.

۲. حدیث قاعده اعتلا: پیامبر(ص) فرمودند "الإسلامُ يعلوُّ ولا يُعلىٰ عليه" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۱) (اسلام برتر از همه چیز است و هیچ چیز برتر از آن نیست)، در این روایت مراد از اسلام، مسلمانان و متدینین به آن است و روایت درصدد وضع یک حکم شرعی و نه خبر دادن از امری تکوینی است. لذا مفاد این حدیث دال بر آن است که در اموری که کفار با مسلمانان ارتباط پیدا میکنند، حکم و برتری از آن مسلمانان است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳: ۲۴۴). یعنی این قاعده بر برتری دارالاسلام بر دارالکفر تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که غیر مسلمانان نباید در هیچ موردی بر مسلمانان برتری یابند و اسلام نباید زیر سلطه قرار گیرد (خانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). سلطه رژیم صهیونیستی

بر سرزمین‌های اسلامی و استعلای آنان بر مسلمین، هرگونه تعامل یا پذیرش آن را بر اساس این قاعده رد می‌کند.

۳. پیامبر(ص) می‌فرماید: "إِنَّهُمْ [اليهود] أَغْشُ الْخَلْقِ لِلْمُسْلِمِينَ" (میزان الحکمه، ح ۱۴۹۶۲) یعنی به درستی آن‌ها [یهودیان] فریبکارترین مردم نسبت به مسلمانان هستند. در این حدیث نبوی به مسلمانان گوشزد می‌شود که نسبت به یهودیانی که پیشتر در مورد پیمان شکنی و فریبکاری ایشان توضیح داده شد، باید بسیار با احتیاط عمل نمایند. به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی به عنوان نماد یهود افراطی امروزی نیز شرایط حدیث نبوی را داراست، لذا مسلمین و دارالاسلام باید از آن بر حذر باشند.

۴. حضرت علی علیه‌السلام در دوران حیاتشان در برابر برخی از وقایع، حکیمانه سکوت و مدارا می‌فرمودند ولی در برابر برخی دیگر از وقایع با قاطعیت و شدت رفتار می‌نمودند (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۸۵) که شهید مطهری از آن با عنوان جاذبه و دافعه حضرت یاد کرده است. برای مثال ایشان در برخورد با معاویه، ابتدا مدارا نمودند، لیکن وقتی مطلع شدند که سربازان معاویه با حمله به مسلمانان، جان، مال و ناموس آنان را مورد تعرض قرار داده‌اند، سکوت نکردند. ایشان می‌فرمایند: "مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهْتُهُ الْمَكَايِدُ" (غررالحکم: ۸۶۷۲) (هرکس از دشمنش غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود می‌آورند). مضمون این روایت حاکی از آن است که هرگونه سکوت و تعامل با دشمن، شرعاً و عقلاً امری مذموم به‌شمار می‌رود.

۵. امام علی(ع) در حدیثی می‌فرمایند: "كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا" (نهج البلاغه، نامه ۴۷) (پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید). لازمه قرار گرفتن در صف یاری دهندگان مظلومان، اعلام و اعمال براءت و مخالفت با دشمنان و ظالمان است. لذا هرگونه اقدامی در راستای پذیرش یا رضایت از رفتار ظالم، در هر سطح و مرحله‌ای، به معنای همسو شدن و همراهی با آن است. این دستور امام علیه‌السلام، محدود به حمایت لفظی و تبلیغاتی از مظلومان و اعلام براءت صرف نیست، بلکه بسته به میزان توانمندی و شرایط دارالاسلام و مسلمانان، شامل اقدامات همه‌جانبه و عملی نیز می‌باشد. حضرت علی(ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: "صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرِّيحِ إِذَا مَرَّتْ بِالتَّنِّ حَمَلَتْ تِنْتًا" (غررالحکم: ح ۵۸۳۹) (دوستی با بدکاران، همچون قرار گرفتن در معرض سوز پاییزی است که خشک‌کننده و نابودکننده است، بدی را به همراه می‌آورد و موجب گرایش به آن است)؛ در غرر الحکم نیز حضرت (حکمت ۵۸۶۸)، دوستی با اشرار را موجب بدبین شدن به نیکوکاران می‌داند. امام سجاده(ع) در حدیث "إِيَّاكُمْ وَ صُحْبَةَ الْعَاصِينَ وَ مَعُونَةَ"

الظالمين" (الطریحی، ۱۴۱۶: ۱۸۴) نیز مهر تأییدی بر این امر می‌زنند. امام صادق(ع) نیز در این باره می‌فرمایند: "لا تعنهم علی بناء مسجد" (ربانی، ۱۳۸۹: ۹۷) (به آنان [ظالمین] حتی در ساخت مسجد نیز کمک نکنید) شروع تعامل با دشمن، حتی اگر در امر خیر یا مباحی باشد، به تدریج موجب همراهی با ایشان می‌شود. احادیث دیگری نیز در تأیید این امر وجود دارد که به مواردی از آنها می‌پردازیم: "من مشى إلى ظالم ليعينه وهو يعلم أنه ظالم فقد خرج من الإسلام" (فرج الله، ۱۹۹۸: ۱۸۷) و یا "العامل بالظلم، والمعين له، والراضی به شركاء ثلاثهم" (الطریحی، ۱۴۱۶: ۱۸۴). این روایات تبیین کننده حرمت تعامل با رژیم صهیونیستی در هر سطحی ولو در موضوعات ظاهراً مفید یا بی ضرر است.

### تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر اجماع:

واژه اجماع از نظر لغوی به معنای جمع شدن، اتفاق نظر، هم‌رأیی و همدلی در موضوعی است. این اصطلاح در بین علمای علم اصول، از نظر شرایط حجیت، دارای معانی مختلفی است ولی عموماً در این معنی که "به اتفاق نظر و هم‌رأیی در حکمی از احکام شرعی" گفته می‌شود، مشترک است. لازم به ذکر است که اجماع، روشی برای کشف سنت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است به دلیل همین کشفی بودن، به لحاظ حقوق اسلامی نیز معتبر بوده و اگر مبنای این کشف، سنت نباشد، معتبر نخواهد بود، اگر چه اجماع کننده بر آن موضوع زیاد باشند (ر.ک.: جناتی، ۱۳۶۷).

هرچند که اجماع در اعداد دلایل حجیت فتوا در حقوق اسلامی است، اما برخی از انواع اجماع از اهمیت بیشتری برخوردار است. اجماع بر نهی هرگونه تعامل با رژیم صهیونیستی از نوع اجماع بسیط، محصل مدرکی است که در تقویت یقین حکم مؤثر است.

در مورد دارالحرب بودن رژیم صهیونیستی و حرمت تعامل با آن، اجماعی بین علما وجود دارد و اگر از برخی ایشان در مواردی حکمی وجود ندارد، بدان معنا نیست که ایشان با این نظر مخالفند بلکه حاکی از آن است که از نظر ایشان موضوع به قدری روشن است که نیازی به حکم ندارد و یا سکوت در برابر حکم دیگران را می‌توان تأییدی بر آن دانست. در اینجا چند نمونه از فتاوی علما بزرگ که در برخی از مباحث دیگر، اختلاف نظر علمی دارند ولی در این موضوع، نظر واحدی را دارند، ذکر می‌کنیم:

۱. آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء(ره) (۱۸۷۶-۱۹۵۴) که در سال‌های اولیه تأسیس رژیم صهیونیستی مرجعیت شعیان را در نجف بر عهده داشت در حکمی معروف این

گونه بیان می‌دارد: "هرکس می‌تواند شخصاً به مجاهدان فلسطین ملحق شود، باید به آنان پیوندد و من اطمینان می‌دهم که او در ردیف مجاهدین بدر در کنار پیامبر(ص) است و هر کس نیز نمی‌تواند ملحق شود، باید آنان را با مال خویش کمک نماید و هر کس که نسبت به هیچ یک از این‌ها توانایی ندارد، بر او واجب است که با زبان و قلم و تلاش تا سر حد امکان، کوشش و مساعدت نماید و این کم‌ترین مرتبه این تکلیف الهی است" (ورعی، ۱۳۸۲: ۶۸).

۲. آیت‌الله سید حسین بروجردی(ره) (۱۸۷۵-۱۹۶۱)، مرجع بزرگ شیعیان که عموماً در مسائل سیاسی ورود نمی‌نمود، به دلیل اهمیت موضوع بیانیه‌ای را با این مضمون صادر نمود: "خدایا از تو یاری مسلمانان را می‌خواهیم، دشمنان آنان را ذلیل و خوار بدار و از برادران مسلمان ایران و سایر ممالک، انتظار داریم مجتمع شوند و در حق یهود نفرین نمایند و در حق برادران مسلمان ما دعا کنند تا در این میدان جنگ، فاتح و پیروز گردند" (امینی، ۱۳۸۵: ۷۱).

۳. آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی(ره) (۱۸۹۶-۱۹۸۱) یکی از علمای بزرگ ایران نیز در حکمی دیگر بیان می‌دارد: "بر همه مسلمانان جهان واجب است که از هرگونه مساعدت مادی و معنوی نسبت به اعراب مسلمان دریغ ندارند و هر نوع معامله و ارتباطی که منشأ تقویت رژیم صهیونیستی بشود یا در آمدگی آن‌ها برای مبارزه و پیکار با کشورهای عربی دخالت داشته باشد، حرام و در حکم مبارزه با اسلام است" (ورعی، ۱۳۸۲: ۶۹).

۴. آیت‌الله سید محسن حکیم(ره) (۱۸۸۹-۱۹۷۰) که از مراجع بزرگ شیعه در نجف بود نیز حکمی را با این عنوان صادر نمود: "اکنون که جهاد مسلمانان با یهودیان صهیونیست شروع شده است، همدستی کافی و کامل باید بکنند و به دشمن اسلام مهلت ندهند که برادران آنان را مورد قتل و غارت قرار دهند. خدای متعال با ماست و باید جهاد را تعمیم دهیم" (ر.ک.: رجبی، پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی).

۵. آیت‌الله العظمی امام خمینی(ره) نیز بر این امر بسیار تأکید داشتند و از اولین روزهای آغاز قیام خود تا آخر دوران حیاتشان، هیچگاه از قضیه فلسطین چشم‌پوشی نکردند. در جایی ایشان می‌فرمایند: "هیچ امری را بر مسلمانان واجب‌تر از این نمی‌دانم که با جان و مال خویش، هنگامی که می‌بیند خون‌های برادران و خواهران بی‌گناه شما در سرزمین‌های مقدس فلسطین جاری است و هنگامی که مشاهده می‌کنید سرزمین‌های ما (اسلام) دست به صهیونیست‌های تبهکار، ویران گشته، در این شرایط هیچ راهی جز ادامه جهاد نمی‌ماند، بر همه مسلمانان واجب است که کمک‌های مادی و معنوی خود را در این جهاد



مقدس صرف کنند و خداوند پشتیبان این اراده است" (نظرپور، ۱۳۸۵: ۱۰۹).  
۶. نظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، در جایگاه ولایت فقیه و رهبری انقلاب اسلامی و به عنوان تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همگان مشخص است. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند: "برای مواجهه با ظلم فجیعی که این روزها نسبت به مردم فلسطین اعمال می‌شود، دو راه علاج وجود دارد. این دو راه علاج اجتناب‌ناپذیر است و باید همه آن را قبول کنند و از این دو راه بروند: راه اول، ادامه انتفاضه و ایستادگی مردم فلسطین است... و راه دوم، حمایت‌هاست، همه دنیا باید از این‌ها حمایت کنند" (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۱).

۷. آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید نیز در این مورد می‌فرماید: "رژیم اسرائیل شروترترین و جنایت‌کارترین رژیم در تاریخ است... علمای اسلام بلکه علمای همه مذاهب جهان در اینجا وظیفه سنگینی بر عهده دارند. باید دست به دست یکدیگر دهند و پیروان خود را در برابر این جانیان روزگار بسیج کنند و تشویق به ادامه این راه کنند" (پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، دوازدهم خرداد ۱۳۸۹).

۸. آیات عظام سیدعلی سیستانی، محمدتقی بهجت (ره)، سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره)، سیدابوالقاسم خویی (ره)، سیدهادی میلانی (ره)، سیدابوالقاسم کاشانی (ره)، سیدعلی موسوی بهبهانی (ره)، سیدعبدالله شیرازی (ره)، سیدمحمد شیرازی (ره)، سیدمحمدحسین فضل‌الله (ره) و بسیاری دیگر از مراجع تقلید (ر.ک.: عبدالجلیل، ۲۰۰۲؛ ورعی، ۱۳۸۲: ۶۹)، با صدور حکم، بیانیه، تدوین کتاب و سخنرانی با محکوم کردن تجاوزات رژیم صهیونیستی به کشورهای اسلامی از عموم مسلمانان خواسته‌اند تا به یاری مسلمانان مظلوم فلسطین بشتابند و بر عدم تعامل با ایشان اهتمام داشته باشند. برای مثال، در اکثر رسائل توضیح‌المسائل علمای شیعه در باب معاملات، بر عدم جواز خرید و فروش کالاها و تجارت با دشمنان مسلمانان تأکید شده و از اسرائیل به عنوان شاهد مثال موضوع یاد شده است.

برای اثبات ادعا خود در این جا نظر پروفیسور ایساک حسون<sup>۲</sup> اسلام شناس اسرائیلی دانشگاه عبری اورشلیم<sup>۴</sup>، در سخنرانی خود در کنفرانس سالانه بررسی استراتژیک هرترلیا در قدس شریف<sup>۵</sup> در سال ۲۰۱۱، با تقسیم بندی مراجع تقلید شیعیان به میانه‌رو و تندرو، به طور صریح نتیجه می‌گیرد که "برای اسرائیل توجه به این امر مهم می‌باشد، با بررسی نظر هر دو جریان میانه‌رو و تندروی مراجع شیعی درباره موجودیت اسرائیل نتیجه

می‌گیرد که از نظر ایشان، اسرائیل دشمن دین اسلام و مسلمین محسوب می‌شود و رأی همه مراجع شیعه بر لزوم نابودی آن می‌باشد" (Report of the Eleventh Herzliya Conference).

### تعامل با رژیم صهیونیستی از نظر عقل

یکی از بزرگترین ویژگی‌های انسان و موهبت‌های الهی به بشر، عقل و خرد است و همین ویژگی، وجه تمایز انسان و حیوان می‌باشد. دین مبین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی، بیش از هر مکتبی بر تعقل تأکید دارد، به طوری که اگر ادعا کنیم دین اسلام دین تعقل و شریعت اسلام را شریعت عقلاست، ادعایی بی‌جایی نیست (علی‌دوست، ۱۳۷۹: ۳۱). خداوند در قرآن کریم همواره به استفاده صحیح از عقل و تفکر تأکید دارد و در آیات زیادی مردم را به تعقل و تفکر تشویق می‌کند. برای مثال در می‌فرماید: "قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (قرآن کریم، سوره البقره آیه ۱۱۱).

معصومین (ع) برای رسیدگی در امور دینی و معیشتی، عقلانیت و تفکر را لازمه یک مسلمان دانسته و همواره بر آن تأکید فرموده‌اند. امام موسی بن جعفر (ع) از عقل به عنوان حجت باطنی یاد کرده‌اند و می‌فرمایند: "إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ، حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةَ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْإِمَّةُ (ع) وَأَمَّا الْبَاطِنَةَ فَالْعُقُولُ" (علی‌دوست، ۱۳۷۹: ۳۰). همان‌طور که اشاره شد، یکی از منابع چهارگانه حقوق اسلامی، عقل است. آیت الله مصباح یزدی در تعریفی جامع عقل را این‌گونه تبیین می‌کند: "یکی این که بخشی از قواعد حقوقی اسلام از وحی گرفته شود و بخشی دیگر از عقل به طوری که عقل به عنوان منبع مستقلی برای حقوق اسلامی تلقی شود. معنای دیگر این است که عقل به عنوان کاشف از احکام شرعی الهی شناخته شود و اعتبار آن‌ها تنها از جهت کاشفیت از اراده تشریحی الهی باشد، و نه به عنوان منبع مستقلی برای تشریح و قانونگذاری. بدیهی است که اسلامی بودن یک نظام حقوقی به این معنی است که منسوب به خدای متعال و شارع مقدس اسلام می‌باشد و در چنین نظامی هیچ چیز دیگر به عنوان منبع مستقل، قابل قبول نخواهد بود. پس معنای صحیح منبعیت عقل برای حقوق اسلام همین معنای دوم است یعنی اعتبار و ارزش حکم عقل از جهت کاشفیت آن از حکم شرعی است." (مصباح یزدی، ۱۳۶۳: ۲۷). البته فیلسوفان خردگرا و علم‌گرایان تجربی نیز بر نسبی بودن عقل بشری معترفند زیرا امری که تا دیروز غیرعقلانی به نظر می‌رسیده ممکن است امروز به دلیل رشد دانش و کشف حقایق بیشتر، جزو مفروضات قرار داشته باشد (مانند گروهی

بودن کُره زمین). لذا برای یافتن شیوه برخورد با رژیم صهیونیستی، می‌توان از یکی از قواعد علم اصول، یعنی "دفع الضرر المحتمل" استفاده نمود. قاعده "دفع ضرر محتمل" یکی از قواعد عقلی مورد قبول است. یعنی عقل انسان عاقل همواره حکم می‌کند که باید از هرگونه ضرر احتمالی دوری کرد (ملکی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۶). ضرر محتمل عموماً به ضرری که احتمال وقوع آن برای عاقل ضعیف ولی ممکن است اطلاق می‌شود. فلاسفه نیز دفع ضرر احتمالی را از بدیهیات عقلی می‌دانند و تأکید می‌کنند که عاقل همواره در اندیشه جلوگیری از ضرر محتمل است (انصاریان، ۱۳۸۸: ۱۹۳). اندیشه صهیونیسم در قالب رژیم صهیونیستی به دلیل سیاست توسعه‌طلبانه خود، همواره برای کشورهای اسلامی یک ضرر محتمل است. اگر چه برخی کارشناسان عقیده دارند که این ضرر مظنون و احتمالی است، لیکن اگر همان ضرر محتمل را نیز بپذیریم، دفع آن عقلاً واجب است. علاوه بر آن که حالت سابقه این نهاد نامشروع نشان دهنده این موضوع است که میزان خطر لازم برای دفع آن حتمی است.

در جایی که توسعه طلبی رژیم صهیونیستی فی نفسه ضرر محتمل است، هر امر دیگری که به این توسعه طلبی محتمل کمک کند نیز باید دفع شود. در این نوشتار بیان شد که هر تعامل اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به موجودیت و اشغال‌گری رژیم صهیونیستی مشروعیت می‌بخشد و این مشروعیت موجب قدرت بیشتر آن می‌شود. حال اگر یک ایدئولوژی در ذات خود توسعه طلب باشد و تعامل با آن موجب مشروعیت بخشیدن به آن می‌شود، یعنی فرصت بقا و تقویت به آن می‌دهد، آیا از نظر عقلی این احتمال وجود ندارد که این ایدئولوژی بر اساس ذات خود اقدام به توسعه طلبی نماید؟ چه تضمینی وجود دارد که هدف بعدی تجاوز آن دشمنان، دین، سرزمین، جان، مال و ناموس دیگر کشورهای اسلامی و کشور ما نباشد.

پس از نظر عقلی نه تنها دفع ضرر رژیم صهیونیستی واجب است بلکه هر عملی نیز که موجب تقویت آن رژیم شود می‌بایست از طرف دارالاسلام با همکاری تک تک مسلمانان دفع شود. یکی از مصادیق تقویت رژیم صهیونیستی تعامل با این رژیم در هر بعد و موضوعی می‌باشد.

## نتیجه گیری

می توان جمع بندی مباحث مطروحه را این گونه مطرح نمود که از مهم ترین ویژگی های حقوق بین الملل اسلامی، ظلم ستیزی و دفاع از دین، جان، مال، سرزمین و عزت مسلمانان است. با اعلام فلسطین به عنوان سرزمین موعود و آغاز مهاجرت یهودیان به این منطقه که نتیجه آن تشکیل رژیم صهیونیستی بود، قضیه فلسطین به مهم ترین مسئله و مشکل جهان اسلام تبدیل شد. اصلی ترین هدف این رژیم در سال های اخیر، همواره خارج کردن قضیه فلسطین از اولویت های سیاسی-امنیتی جهان اسلام و فراموشی نسبی آن است که این امر با افزایش تعامل جهان اسلام با ایشان محقق می شود.

تعامل در هر بعدی به تدریج به موجودیت نامشروع این رژیم، بر اساس عرف که از قواعد حقوق بین الملل می باشد مشروعیت می بخشد. اکثر عرف های بین المللی که امروز در روابط بین المللی جاری است نیز بر قاعده هزینه- فایده استوار است که منشا آن در منفعت طلبی تفکر مدرن می باشد. اما اسلام به عنوان یک دین آسمانی با قواعد عقلانی و در نظر گرفتن هزینه و فایده واقعی انسان ها به سعادت بشر می اندیشد. لذا اگر چه از دید عقلانیت مادی مدرن، این اعمال غیر عقلانی به نظر برسد، لکن جهان اسلام باید با هوشیاری به قضیه فلسطین بنگرد و با بازگشت به قوانین جهان شمول اسلام که تنها راه سعادت مسلمانان در آن است، فلسطین را به بدنه دارالاسلام بازگرداند و مردم آن را از آوارگی نجات دهد. از این رو هرگونه تعامل با رژیم صهیونیستی بر اساس حقوق بین الملل اسلامی یا همان اصل عدم شناسایی نهادهای نامشروع ممنوع است. در حقیقت چنانچه ماهیتی شر اخلاقی مطلق بوده و نامشروع عقلی و شرعی باشد در حقیقت هرگونه تعامل حداقلی و حداکثری با این نهادهای نامشروع در اسلام نهی شده است.

## یادداشت‌ها:

- ۱- "إسرائيل شرٌّ مطلقٌ... والتعامل معها حرامٌ"
- ۲- زمین مَفْتوح عَنوَه زمین به غنیمت گرفته شده از کَفَّار می باشد و از انواع زمین‌های قرار گرفته تحت سلطه و سیطره حکومت اسلامی، زمین مفتوح عنوه است که مسلمانان در پی جهاد با کفار و چیره شدن بر آنان بر آن دست یافته‌اند.

3- Isaac Hasson

4- Hebrew University of Jerusalem

5- Herzliya Annual Conference

۴۵

دو فصلنامه مطالعات  
بیداری اسلامی

رژیم صهیونیستی؛ تعامل یا تقابل؟  
سیداحسان رفیعی علوی و همکاران



## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- احمدی، حسینعلی و صالحی، سید مظاهر (۱۳۸۳)، «اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار»، ماهنامه درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۴، شماره هشتم، آبان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «درک روابط بین الملل؛ رویکردی قرآنی»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.
- امینی، داود (۱۳۸۵)، «باز بینی مواضع رژیم پهلوی، روحانیت و مردم ایران، در منازعات فلسطین و اسرائیل»، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره اول، شماره مسلسل ۶۱، بهار.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۸)، «اندیشه در اسلام»، قم: دارالعرفان.
- آخوندی، مصطفی (۱۳۸۱)، «نظام دفاعی اسلام»، قم: اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- آلستون، ویلیام. پی. (۱۳۸۱)، «تاریخ فلسفه دین»، ترجمه علی حقی، دوماهنامه اندیشه حوزه، سال هشتم، شماره ۳۵-۳۶، مرداد و شهریور، مهر و آبان.
- برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۶)، «پژوهشی فقهی حقوقی درباره ترور و دفاع مشروع»، قم: زمزم هدایت.
- ترابی، احمد (۱۳۷۴)، «قرآن، پشتوانه و خاستگاه فقه»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال اول، شماره سوم، پاییز.
- جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۷)، «اجماع، سومین منبع اجتهاد»، دوماهنامه کیهان اندیشه،

شماره بیستم، مهر و آبان.

جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۷)، «سنت دومین منبع اجتهاد»، دوماهنامه کیهان اندیشه، شماره ۱۷، فروردین و اردیبهشت.

حیدری، محمد و انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۸)، «رفتار شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم، زمستان.

خانی، حسین (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹، پاییز.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سمت.

ربانی، سید جعفر (۱۳۸۹)، «ستایش‌ها و نکوهش‌های بی مورد»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۸۳، پاییز.

رزاقی موسوی، سید قاسم (۱۳۸۳)، «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی»، ماهنامه معرفت، سال سیزدهم، شماره یازدهم، بهمن.

سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۱)، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام (۲)»، فصلنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان.

سلطان محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «جنگ و صلح در احادیث»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴، تابستان.

سلیمانی، جواد (۱۳۸۲)، «مرزهای مدارا و شدت عمل در حکومت امیر مؤمنان (ع)»، ماهنامه رواق اندیشه، سال سوم، شماره ۲۲، مهر.

ضابطی‌پور، احمد (۱۳۸۹)، «حکومت علوی معیار دین‌مداری و مردم‌گرایی»، دوماهنامه اندیشه حوزه، سال شانزدهم، شماره ۸۵.

علی احمدی، حسین و صالحی، سید مظاهر (۱۳۸۳)، «اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار»، ماهنامه درسهایی از مکتب اسلام، سال ۴۴، شماره هشتم، آبان.

علی دوست، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، «فقه و عقل»، فصلنامه قیسات، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶،

بهار و تابستان.

فاضل موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۸۳)، «القواعد الفقہیہ»، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.

فیرحی، داود (۱۳۸۳)، «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه»، فصلنامه شیعه شناسی، سال دوم، شماره هشتم، تابستان.

قاسمی، محمد علی (۱۳۸۹)، «دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۴۹، پاییز.

قزائی، محسن (۱۳۹۱)، «تفسیر نور»، جلد نهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کعبی، عباس و غرویان، محسن (۱۳۸۱)، «مبانی فقهی و قرآنی مذاکره با آمریکا»، ماهنامه معرفت، سال یازدهم، شماره هفتم، مهر.

لطیفی پاکده، لطفعلی (۱۳۸۸)، «اسلام و روابط بین الملل»، قم: زمزم هدایت.

مروتی، سهراب (۱۳۸۵)، «مبانی نظری مدارا در قرآن کریم و سنت معصومین (ع)»، فصلنامه انجمن معارف اسلامی، شماره هفتم، تابستان.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۳)، «موقعیت عقل در منابع فقه و حقوق اسلامی»، مجله نور العلم، شماره پنجم، شهریور.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۶)، «تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۸۲)، «فرهنگ اصطلاحات اصول با مقدمه حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی»، جلد دوم، قم: عالمه.

نظرپور، مهدی (۱۳۸۵)، «فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه پیام، شماره ۷۸، تابستان.

نوریان، مهدی؛ امام، سید محمد رضا و مومنی، عابدین (۱۳۸۹)، «بررسی حکم اطلاع رسانی نسبت به فرصت‌های اقتصادی»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

ورعی، سید جواد (۱۳۸۲)، «مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان.

منابع عربی



بجنوردی، محمد حسن (۱۴۱۹)، قواعد فقهیه، التحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایی، ج ۴، قم: نشر الیهادی.

بسیونی رسلان، صلاح الدین (۲۰۰۵)، الجهاد فی الإسلام: جهاد لا إرهاب، القاهرة: الدار المصریه السعودیه للطباعه والنشر والتوزیع.

جبر، دندل (۲۰۰۴)، دار الحرب - دار الاسلام - البلاد الاسلامیه - دار السلم والأمان - دار العهد - المستأمنون - المعاهدات، عمان: دارعمار.

خوانساری، موسی بن محمد (۱۴۱۸)، منتهی الطالب، تقیرات محقق نائینی، ج ۳، قم: نشر اسلامی.

زاهد، عبد الأمير (۱۹۹۹)، المدخل إلى النظرية العامة للقانون الدولي الإسلامي، بیروت: مرکز الغدیر للطباعة والنشر والتوزیع.

سفیانی، عابد بن محمد (۲۰۰۰)، العولمة و خصائص دار الاسلام ودار الكفر: دراسة فقهية مقارنة، الرياض: دارالفضیلة.

السید، رضوان (۱۹۹۸)، «منظومه «دار الحرب ودار الإسلام»: ظهورها وزوالها قراءه فی العلائق بین الفقه والسیاسه والتاریخ»، مجله منبر الحوار، العدد ۳۵، شتاء وربیع.

الشهید الأول (۱۴۱۴)، الدروس الشرعیة فیفقه الإمامیه، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

الصدر، موسی (۲۰۰۱)، كلمه سواء: المقاومة والمجتمع المقاوم قراءات فی مسیره الإمام موسی الصدر، بیروت: مرکز الإمام موسی الصدر للأبحاث والدراسات.

الصدر، موسی (۲۰۰۷)، حوارات صحفیه ۱- تأسيساً لمجتمع مقاوم، بیروت: مرکز الإمام موسی الصدر للأبحاث والدراسات.

الطریحی، منیر (۱۴۱۶)، «دور الفقهاء فی محاربة الطغاة»، فصلیة الفكر الإسلامی، السنة الثالثة، العدد الحادی العشر، رجب المرجب ورمضان المبارک.

عبدالجلیل، محمد (۲۰۰۲)، المرجعیة الشیعیه و القضیه الفلسطینیة، المیرا: مؤسسه الفكر الإسلامی - هولندا.

فتونی، علی عبد (۱۹۹۹)، المراحل التاریخیه للصراع العربی - الإسرائیلی، بیروت: دار الفارابی.

فرج الله، عبد القادر (۱۹۹۸)، «من غرر حکم أهل البيت (ع) لا تظلم كما لا تحب أن تظلم»، مجله رسالة الثقلین، العدد السادس العشرون.

مقدس الأدریبلی، الشیخ احمد (۲۰۰۰)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، الجزء

السابع، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

### منابع الکترونیکی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای:

<http://farsi.khamenei.ir>.

۲. وب سایت کتابخانه احادیث شیعه: <http://www.hadithlib.com>.

۳. وب سایت کتابخانه شهر حدیث: <http://www.hadithcity.com>.

۴. پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: <http://makarem.ir>.

۵. رجبی، محمد حسن، «سید محسن حکیم»، پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی،

<http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=221&SP=Farsi>.

6. <http://www.herzliyaconference.org>.

۵۰

دوفصلنامه مطالعات  
بیداری اسلامی

سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی